

شرح حال علی بن عباس مجوسی

طیب ایرانی

علی بن عباس اهوازی ارجانی مشهور به مجوسی از اعظم اطباء قرن چهارم هجری است. نگارنده در ضمن تاریخ زندگانی فیلسوف اعظم ابوعلی سینا یمناسبتی ذکر کرده است. استاد فاضل نریمان پاریسی که بزبان و ادبیات عربی نیک آشناست در جریده قیصر هند شرحی از تحقیقات و تبعاتی که شده بود تقدیر و ضمناً اشعار داشته تا جائی که توانائی و مایه کار در دسترس است زندگانی علی بن عباس را روشن تر سازم و نگارنده را نیت چنان بود که بعد از شیخ بنگارش تاریخ دیگران از مشاهیر حکما و علما از قبیل محمد ذکریای رازی - ابن عمید شیخ اشراق و خواجه طوسی و غیره بردارم. اشاره استاد فاضل که نگارنده را بمصاحبت و مکاتبت مجذوب محبت ساخته است مجبورم ساخت که نخست بامثال امر او پردازم و در طول چندماه در مقام استقراء و استقصاء برآمده و دفاتر کهن و تازه را ورق زده علی‌الاسف مطلب مهمی نیافت اینک پس از یاس از تحصیل اطلاعات مبسوط و واقعی بتقدیم محضر قناعت ورزید و ممکن است برای تکمیل نقص اسناد و ماخذی قدیمی از قبیل تاریخ الحکماء شهر روزی و تاریخ الحکماء بیهقی وجود داشته باشد و اشخاصی که دسترس بر کتب مزبوره دارند در صورت ظفر بر مطلوب مقتضی است که در اوقات بخل نکنند.

نخستین ماخذی که قدیمترین اسناد راجع بعلی بن عباس میتواند باشد مقدمه کتاب کامل الصناعات مالکی اثر جاودانی او است و آنچه را که مقتضی نقل و مناسب اقتطاف میدانند ذیلاً می‌نگارد:

نخست در مقدمه شرحی از معارف پروری و فضائل نفسانی و نظری

بلند و علو همت عضدالدوله تمجید نموده سپس میگوید خسرو (انوشیروان) فرموده که هر وقت خداوند تبارک و تعالی بقومی نظر عنایت داشته علم و حکمت پادشاه وقت موهبت فرموده یا اینکه پادشاه را از بین حکماء و دانشمندان انتخاب میفرماید (۱)

آنگاه شرحی از فضل و شرف ذاتی علم طب در بین علوم سائره بیان و علت تالیف کتاب را نقص کتابهای سلف ذکر نموده واسامی عده‌ای از اساتید و ائمه طب را از قبیل بقراط - جالینوس - ابن سرائیون - امام محمد زکریای رازی و غیره تعداد و نسبت به بقراط با اعتراف بفضل و تقدم او اینطور اظهار عقیده میکند که کتاب او با جامع الاطراف بودن از ایجاز مخجل مصون نیست و دارای ابهام عبارت و پیچیدگی و محتاج به ایضاح و شرح است

اما نسبت بکتاب جالینوس بالعکس از اطباب و تفصیل و تکرار و توضیح واضحات آن که در مقام رد ادله مخالفین و ایراد براهین و غیره مرتکب شده است عیب جوئی میکند.

راجع بامام رازی تصریح میکند که مراتب علمی او را اذعان داشته ولی دو تالیف او «منصوری» و «حاوی» هر کدام نقصی دارند اولی جامع الابواب ولی مختصر و بعکس آن حاوی زیاد مبسوط و مفصل اما بی ترتیب و فاقد قسمتی از ابواب طب چنانچه مسائل راجع به تشریح و اخلاط و مزاج و اعمال یدیه را حاوی نیست (۲) بناء علیهذا باستدراک نقائص تألیفات سلف کامل الصناعه را تالیف نموده است و وجه تسمیه بکامل هم از این لحاظ و لقب ملک‌هم من باب تقدیم کتاب است به پیشگاه شاهنشاه عضدالدوله و موافق تصریح نموده است «و اذکان انما ضنفته للملک»

(۱) ظاهراً این جمله را خسرو اول از افلاطون فرا گرفته است آنجا که گفته است برای اصلاح نظام عالم لازم است یا فلاسفه حکومت کنند و با احکام فیاسوف باشند
(۲) بی ترتیبی حاوی برای این است که مولف خود موفق به تنظیم و پاک نویسی کردن آن نشده و بعد از وفاتش ابوالفضل بن العمید وزیر دانای رکن‌الدوله دیلمی شاگردان رازی را مامور کرده است که کتاب را پاک‌نویس کنند

الجلیل عضدالدوله ...» و نیز از مقدمه مستفاد میشود که علی بن عباس شاگرد موسی بن سیار طیب بوده است (۱).

بعد از کامل الصناعه قدیم ترین سندی که بنظر نگارنده رسیده و از تالیف و مؤلف سخن رانده چهارمقاله عروضی سمرقندی است. در اوائل مقاله چهارم که مخصوص اطباء است کامل الصناعه را از کتبی شمرده که اطباء میتوانند دستور عمل قرار دهند (۲) و یکجای دیگر حکایتی از نوادر معالجات علی بن عباس مولف کامل الصناعه ذکر نموده است که خلاصه آن ذیلا ذکر میشود (۳) صاحب کامل الصناعه طیب عضدالدوله بود پارس بشهر شیراز حمالی که بارهای سنگین بدوش می کشیده هر پنج ششماه یکدفعه بدرد سر شدید مبتلا می شده وده پانزده شبانه روز همچنان بهماندی و گاه بیشده است ~~که~~ از ناشکیبائی بهخیال خود کشتی میفاناده است. روزی ~~که~~ آن طیب بزرگ گذرش از در خانه حمال اتفاق افتاده وایام معاودت مرض بوده برادران حمال درخواست معی گفتند که بیمار را دیدار فرماید پس از مشاهده مریض و مراجعه به نبض دستور میدهد که مریض را با او بصحرا برند و چون بصحرا میشوند حکم میدهد که غلام دستار مریض را از سرش فرو ~~کرفته~~ دور گردنش انداخته تاب دهد و غلام دیگری را فرمود بیست ضربت نعل کفش بسرش بکوبد و بلافاصله حکم میدهد همانطور که دستار در گردنش هست از سر دستار گرفته کشان کشان بسرعت تمامش بدو اتند در نتیجه خون مردار و گندیده از بینی مریض گشاده شده و درد و رنج مزمن برای همیشه بهبودی می یابد.

بعد از چهارمقاله کتبی که نامی از علی بن عباس برده اند بترتیب ذیل است:

۱ - تاریخ الحکماء ففطی طبع مصر

(۱) شهرت استاد از شاگرد کمتر و آنچه که از تاریخ الحکماء ففطی مستفاد

میشود فارسی نژاد بودن او است

(۲) به متن چهارمقاله طبع لیدن صفحه ۷۰ سطر ۲۲ رجوع خود

(۳) چهارمقاله صفحه ۸۰

- ۲ - عیون الانباء فی طبقات الاطباء طبع مصر
- ۳ - قاموس الاعلام ترکی طبع آستانه تألیف شمس سامی
- ۴ - کشف الظنون حاجی خلیفه
- ۵ - اکتفاء الفروع بماهو مطبوع تألیف و اندیک امریکائی
- ۶ - دائرة المعارف بریتانی
- ۷ - حواشی چهار مقاله نگارش استاد معظم میرزا محمد قزوینی
- ۸ - طب عربی تألیف پرفسور برون
- ۹ - تاریخ مختصر الدول تألیف ابوالفرج طیب در ضمن شرح

حال عضدالدوله

قفطی از همه مفصل تر نوشته و مدلول ترجمه عبارات او نقل میشود :

« علی بن عباس طیب فاضل کامل فارسی نژاد اهوازی مشهور بابن المجوس شاگرد پزشکی ایرانی مسمی بابی ماهر (۱) بوده و در علم طب مطالعات و تحقیقاتی نموده و بر آثار سلف و تألیفات اطباء سابقین وقوف داشته و کتاب ملکی را برای عضدالدوله فناخسرو دیلمی تألیف نموده و چه نیکو کتاب مفیدی است از جمله علمی و عملی و حسن ترتیب و بهمین لحاظ قبول عامه یافته و مدتها منظور معلمین و محصلین و اساتید فن بوده است تا ظهور قانون ابن سینا که قسمتی از شهرت و اعتبار ملکی را کاسته و خود جانشین آن شده . قانون از جنبه علمی مزیت دارد و ملکی برای عمل سودمند تر است »

اگر اندکی در آنچه که قفطی نوشته تأمل شود و با شرح مختصری که در مقدمه کامل الصناعه ملکی نقل شده تطبیق شود معلوم خواهد شد که قفطی ماخذ اطلاعاتش همان مقدمه کتاب بوده مگر آنچه را راجع بمتروک شدن ملکی بعد از ظهور قانون نوشته است .

عیون الانباء که بعد از تاریخ الحکماء تألیف شده خلاصه عبارات قفطی را

(۱) ابوماهر کنیه موسی بن سيار است .

ایراد نموده و کشف الظنون و قاموس الاعلام هم فقط اسم موافق و اسم کتاب را ذکر نموده اند .

اکتفاء القنوع لقب علاء الدین را اضافه میکند (۱)

دائرة المعارف بریتانی فقط اسم علی بن عباس را در مورد توصیف قانون و اینکه بعد از ترجمه شدن بزبان لاتینی در اروپا در مدت چند قرن کامل الصناعه و چند کتاب دیگر را تحت الشماع قرار داده است ذکر مینماید و در حقیقت صاحب ترجمه راطفیلی شیخ رئیس ابن سینا قرار داده . استاد فاضل میرزا محمد قزوینی در حواشی نفیسی که بر چهار مقاله نوشته است شرح ذیل را نگاشته و کتاب کامل الصناعه الطیبه المعروف بالملکی کتابی است مبسوط بزبان عربی در علم طب نالیف علی بن عباس . المجوسی الاهوازی الارجانی المتوفی سنه ۳۶۸ وی از مشاهیر اطباء عصر خود و طیب مخصوص شاهنشاه عضدالدوله دیلمی بود اگر چه اسم او علی است ولی کیش او مجوسی بوده است و در وجه تسمیه کتاب مذکور بملکی مصنف خود در دیباچه آن گوید اذکان انما ضنفته للملك الجلیل عضدالدوله . متن عربی کامل الصناعه در لاهور و مصر و ترجمه لاتینی آن در سنه ۱۴۹۲ در ونیز و در سنه ۱۵۲۳ در لیدن از ممالک هلاند بطبع رسیده است . در کامل الصناعه طبع مصر همه جا در نسبت صاحب ترجمه المجوسی به تشدید جیم نوشته برای اینکه این کلمه را از معنی معروف خود منصرف گرداند و آن سهو است و صواب مجوسی به تخفیف جیم است بهمان معنی معروف «

پروفسور برون در کتات طب عربی فصل مخصوصی بصاحب ترجمه اختصاص داده و با اینکه از نظر فنی علاقه زیادی بکشف زندگانی او داشته نتوانسته است يك ماخذ قدیمی غیر از مقدمه کتاب و نگارش

(۱) استاد فاضل میرزا محمد قزوینی بر این نسبت اعتراض نموده است بدلیل

اینکه القاب مضاف بدین از خصائص مسلمان است و صاحب ترجمه زردشتی بوده

قطعی و ابن ابی اصیبه بدست آورد لاجرم بهمان ها اقتصار نموده . از
 اهوازی بودن مولف چنین حدس زده است که بمناسبت قرب جوار با
 چندیشابور تحصیلانش با بیمارستان معروف آنجا ارتباطی داشته (۱)

قسمت مهم تحقیقات پرفسور برون ترجمه خورده گیربهای مؤلف است در
 مقدمه کامل انصاعه برتالیفات متقدمین نسبت بمنزات علمی و مقام مؤلف در
 بین اطباء شرق پرفسور برون اینطور اظهار عقیده نموده که چهارنفر از
 اطباء ایرانی بمنزله ارکان اربعه عرش جلالت طب عربی بوده و یکی از
 آن چهارنفر علی بن عباس را محسوب داشته و سه نفر دیگر بعقیده پرفسور
 علی بن ربن طبری مؤلف فردوس الحکمه و امام محمد زکریای رازی
 مؤلف حاوی و شیخ رئیس ابوعلی سینا مؤلف قانون میباشند .

در مقام تفصیل یکی از چهارنفر از جنبه طب عملی رازی را
 برتری داده و ابن سینارا باحاطه و تبصر در علوم متنوعه خاصه تفوق فلسفی
 از همه افضل دانسته در هر حال در فخر ایران کهن و فرسوده کافی است
 که هر چهار نفر علمداران علم و مشعل افروزان طب ایرانی بوده و فخر
 علی بن عباس است که یکی از چهارنفر ائمه طب بوده است .

کتاب ملکی در قرون وسطی بسوزبان لاتینی بمباشرت استفان
 فیلسوف (۲) ترجمه شده و بابعضی حواشی میکائیل دوکاپلا (۳) در لیون در
 سنه ۱۵۲۲ میلادی بطبع رسیده است .

مجدد در ۱۹۰۳ قسمتی از کتاب با ترجمه فرانسه در لندن از
 ولایات هلند بطبع رسیده است .

در اینجا با تاسف تمام که نتوانستم اطلاعاتی راجع به زندگانی
 صاحب ترجمه و چگونگی دخول او در خدمت عضالدوله بدست آورد
 مقاله را ختم نمایم الاحقر

محمود دبستانی کرمانی

(۱) بکتاب طب عربی ص ۵۴ س ۱۰ رجوع شود

(۲) Michaelde Capella (۳) Sdphen the philosopher